نگاهی به مدیریت بحران، پیش از بحران

پیش از وقوع سوانح و بلایا چه باید کرد؟

دکتر حمیدرضا اسکاش | مدرس و مشاور در حوزه مدیریت بحران

عکس: سعید غلامحسینی/ شهروند

در این شماره به مواردی می‌پردازیم که ملحوظ قرار دادن آن پیش از وقوع سوانح و بلایا، تأثیر قابل توجهی بر کاهش آثار و پیامدهای ناگوار سوانح و بلایا دارد. مواردی که اگر چنانچه اهتمام به آن، قبل از زلزله از گله معمول می‌شد، قطعا به مراتب کمتر شاهد تلفات و خسارات و بی‌سرپناهی مردم غرب استان کرمانشاه در فصل زمستان بودیم. در بخش‌های بعدی که قسمت عمده این مستند را تشکیل می‌دهد، بیش از بیست مورد از چالش‌هایی که مسئولان و مدیران محلی سرپل ذهاب پس از رخداد زلزله و در مرحله پاسخ، با آن مواجه بودند، مطرح می‌شود و در خصوص هر چالشی سعی بر آن شده درس آموخته‌ها و توصیه‌های مربوطه نیز جهت رفع چالش‌های مورد نظر ارایه شود.

بخش نخست: اقدامات پیش از بحران

اقدامات یا مراحل اصلی مدیریت سوانح و بلایا، پیش از وقوع رخداد، شامل پیشگیری، کاهش آثار و پیامدها و همچنین مرحله آمادگی است. پیشگیری شامل راهبردها و مجموعه راهکارهایی قلمداد می‌شود که هدف از آن جلوگیری از وقوع سوانح و بلایاست. در خصوص زلزله، از آن‌جا که نمی‌توان از وقوع آن جلوگیری کرد، بنابراین پیشگیری به معنایی که اشاره شد مصداق ندارد. به‌منظور کاهش خطرپذیری سوانحی همچون زلزله که قابل پیشگیری نیستند بیشتر باید به راهبردها و راهکارهایی متوسل شد که انجام آن می‌تواند منجر به کاهش خسارات و تلفات ناشی از وقوع سانحه شود. اهتمام به راهکارهای فاز آمادگی مدیریت بحران نیز با ایجاد و ارتقای ظرفیت‌های لازم جهت آگاهی به‌موقع و پاسخ موثر به پیامدهای سانحه سهم بسزایی در افزایش تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری جامعه در برابر سوانح و بلایی همچون زلزله دارد.

الف) اقدامات کاهش خسارات و تلفات (Mitigation)

مستحکم‌سازی و مقاوم‌سازی

نگاه اجمالی و حتی غیرتخصصی به سازه‌های شهری و روستایی در مناطق زلزله‌زده نشان میداد ساختمان‌هایی وجود دارند که هیچ خسارتی ندیده و حتی شیشه‌هایشان نشکسته است، اما در مقابل، سازه‌هایی چنان فرو ریخته‌اند که نمی‌توان تشخیص داد قبل از آن چند طبقه داشته‌اند.

البته این موضوع فقط به استحکام سازه‌ها مربوط نیست، بلکه از اهم عوامل موثر در تخریب ساختمان‌ها می‌توان به جنس و استحکام زمین نیز اشاره کرد.

مثلا در محله‌ای از شهر سرپل ذهاب به نام «فولادی» که از نظر شدت خسارات رتبه نخست را در شهر داشت، اظهارات برخی شهروندان و همچنین کارشناسان شهرداری سرپل ذهاب مبنی بر این بود که زمین این محله در ابتدا یک محدوده دایما آب گرفته و در برخی نقاط به شکل باتلاقی و با کاربری کشاورزی بوده که با خاکریزی، کوبیدن و مسطح‌سازی برای ساخت‌وساز مهیا شده است.

در مناطق روستایی نیز الگو یا ماکتی از رفتار سازه‌های شهری ملحوظ بود؛ به گونه‌ای که مثلا روستای «تپانی» با ۹۵ درصد تخریب در فاصله بسیار نزدیکی از روستای «تپانی کوچک» واقع بود که فقط ۵ درصد تخریب داشت.

نکته مهمی که حتی مردم روستاهای زلزله‌زده به آن اشاره می‌کردند، اجرا نشدن طرح «هادی» در روستاها بود که مسأله‌ای قابل تأمل است، زیرا به نظر می‌رسد این طرح در برخی روستاها اجرا شده و به دلایلی در برخی روستاها اجرا نشده بود.

موضوع رفتار سازه‌ها در برابر زلزله یک مسأله تخصصی است که جهت اطلاع از ابعاد آن باید به گزارشات تخصصی متخصصان سازه و زلزله در خصوص زلزله از گله مراجعه کرد که جامع‌ترین گزارش آن متعلق به مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی است. البته تیم اعزامی از حوزه معاونت پیشگیری سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران نیز بررسی‌های ارزشمندی به انجام رسانده که قابل دسترسی است. همچنین مصاحبه با بهزاد پورمحمد، معاون مرکز لرزه‌نگاری کشوری موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران نیز توصیه می‌شود.

به‌عنوان مثال، بررسی‌های تیم کارشناسی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی حاکی است در مواردی که در ساخت ساختمان‌ها ضوابط و مقررات ساخت‌وساز به‌خصوص مقررات مورد تاکید در آیین‌نامه ۲۸۰۰ (آیین‌نامه مقاوم‌سازی لرزه‌ای ساختمان‌ها) و الزامات مقررات ملی ساختمان به‌طور کامل رعایت شده است، باوجود شدیدبودن زلزله، ساختمان‌ها با کوچکترین آسیبی مواجه نشده‌اند. این تیم کارشناسی تاکید می‌کند در صورت رعایت مقررات و ضوابط مربوط به تاب‌آوری ساختمان‌ها در برابر زلزله به‌خصوص ضوابط آیین‌نامه ۲۸۰۰، این قابلیت وجود داشت که تلفات جانی این زمین‌لرزه به صفر و تلفات مالی آن به حداقل برسد.

نکات مشترک مندرج در این گزارشات در خصوص علل فروریزش سازه‌ها بر موارد زیر اشاره دارد:

- عدم‌رعایت اصول، قوانین و مقررات ساخت‌وساز توسط سازندگان
- عدم‌نظارت کافی بر کیفیت ساخت‌وسازها از سوی متولیان و دستگاه‌های نظارتی
- مشکلات فنی غیرسازه‌ای
- زمین نامناسب

درس آموخته‌ها و توصیه‌ها:

مشاهده منظره‌هایی از ساختمان‌های سالم که حتی ترک هم نخورده‌اند در بین سازه‌های فروریخته، این واقعیت را تداعی می‌سازد که بهترین و به‌صرفه‌ترین روش مقابله با زلزله و پیامدهای ناگوار آن در کشور، مستحکم‌سازی، مقاوم‌سازی، سبک‌سازی خصوصا در مورد سقف‌ها و استانداردسازی و مهمتر از آن، نظارت تمام‌عیار بر رعایت موارد مذکور است.

نهادینه کردن رعایت قوانین و مقررات ساخت‌وساز به‌خصوص مقررات مقاوم‌سازی لرزه‌ای ساختمان‌ها (آیین‌نامه ۲۸۰۰)

بازنگری در رژیم لرزه‌خیزی کشور با توجه به تهیه نقشه حریم گسل‌ها برای شهرهای مختلف

آموزش متولیان ساخت‌وساز، شامل مهندسان و حتی بناها و کارگران ساختمانی در خصوص رعایت حداقل‌های استانداردسازی، ساخت و طراحی بهینه یک ساختمان

ساختمان‌های دولتی و عمومی به‌خصوص ساختمان‌هایی که قرار است در زمان بحران زلزله خدمات‌رسان باشند، باید در اولویت بهسازی و استانداردسازی قرار گیرند.

بیمه واحدهای مسکونی، تجاری توسط مردم و بیمه اماکن عمومی و زیرساخت‌ها توسط دولت باید به‌تدریج نهادینه شود، در بیمه اماکن مردمی حمایت‌ها و یارانه‌های ویژه دولت و اجباری کردن آن لازم است.

این ضعف عملکرد در مستحکم‌سازی و مقاوم‌سازی در منطقه مذکور، فقط محدود به ساختمان‌ها نبوده، بلکه تاسیسات زیربنایی را هم شامل می‌شده، به‌گونه‌ای که در ثانیه‌های نخست زلزله اصلی (۷/۳ ریشتر)، برق، آب، گاز و مخابرات منطقه وسیعی قطع شده که عدم‌روشنایی، به‌خصوص در ساعات اولیه عملیات نجات تأثیرات نامطلوبی را به همراه داشته است. کمبود آب آشامیدنی نیز تا صبح روز سه‌شنبه ۲۳ آبان، یعنی حدود ۳۰ ساعت پس از زلزله، برای بازماندگان، معضل اساسی بوده است.

سامانه هشدار بهنگام (EWS)

با توجه به تأثیر غیرقابل انکار هشدار به‌موقع برای هشیار کردن مردم به‌منظور خروج از منازل و قرارگرفتن در مناطق امن و در نتیجه، کاهش تلفات انسانی حتی در سوانح و بلایای غیرمترقبه نظیر زلزله که ثانیه‌ها حیاتی هستند، این مقوله نیز ذیل عنوان کاهش خسارات و تلفات درج شده است.

شواهد نشان می‌دهد: شهرداری و فرمانداری سرپل ذهاب هیچ‌گونه ارتباط سیستماتیک و مستمری با مراجع ثبت و اعلام زمین‌لرزه کشور نداشته‌اند.

با وجود پیش‌لرزه‌های متعدد از ساعت ۲۱ و ۵ دقیقه که یکی از آنها ۴ و نیم ریشتری بوده و قبل از وقوع زلزله اصلی، حس شده است، هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی از طریق رسانه‌ها و مسئولان محلی صورت نپذیرفته است.

واقعیت این است که مسئولان محلی و مردم، در ارتباط با فعالیت‌های ثبت‌شده لرزه‌ای و حتی آن دسته از این فعالیت‌ها که محسوس نیز است، تکلیف روشنی ندارند. وقتی مردم لرزشی را زیر پای خود احساس می‌کنند که می‌تواند به زلزله‌ای ربط داشته باشد، واکنش یکپارچه‌ای را از خود نشان نمی‌دهند. اغلب برای یک لحظه به اصطلاح، جا می‌خورند و حتی ممکن است از اماکن خود خارج شوند، اما بعد از مدت کوتاهی به همان کاری که مشغول بوده‌اند، ادامه می‌دهند، به‌عنوان مثال اگر خواب بوده‌اند، دوباره به خواب می‌روند. برای آن دسته که ترجیح می‌دهند خانه یا محل کار را ترک کرده و مدتی را خارج از محل‌های مسقف سپری کنند، مسأله این است که تا کی در فضای باز قرار گیرند، این موضوع در اغلب موارد به خودشان بستگی دارد.

کشور مکزیک مانند ایران از لرزه‌خیزی بالایی برخوردار بوده و ۲۶ سال است که از سال ۱۹۹۱ تاکنون سامانه هشدار پیش‌هنگام زلزله را در مکزیکوسیتی، پایتخت خود ایجاد کرده که با سامانه‌های آلارم و اعلام خطر نیز ارتباط داشته تا در شرایط اضطراری، مردم شهر را هشیار سازد.

درس آموخته‌ها و توصیه‌ها:

به نظر می‌رسد مراکز استان و سازمان‌های متولی مدیریت بحران، در خصوص زلزله دارای سیستم‌های هشدار بهنگام باشند، اما شکافی بین این سامانه و جامعه وجود دارد که باید با ابزارهای مختلفی از جمله، دکل‌های آلارم، پیامک یا اپلیکیشن‌های ویژه، صداوسیما و از این قبیل، پر شود.

شناخت و رصد گسل‌های فعال و لرزه‌خیز جهت پیش‌آگاهی و اطلاع‌رسانی بهنگام و در نتیجه، واکنش سریع در پاسخ به آن.

توسعه و تکمیل ایستگاه‌های لرزه‌نگاری و شتاب‌نگاری در نقاط مختلف کشور. هم‌اکنون ۱۳۵۰ شتاب‌نگار در کشور وجود دارد که به دلیل فرسودگی، نیازمند نوسازی و تکمیل است. نقص دیگر شبکه شتاب‌نگاری، آنلاین نبودن این شبکه است که این نارسایی نیز باید هرچه سریع‌تر برطرف شود.

تهیه، تدوین و ابلاغ پروتکل یا دستورالعملی مبتنی بر تحلیل فعالیت‌های لرزه‌ای و خصوصا پیش‌لرزه‌های محسوس، تا تکلیف مردم و مسئولان در خصوص تخلیه ساختمان‌ها مشخص شود.

تهیه، تدوین و ابلاغ پروتکل یا دستورالعملی مبتنی بر تحلیل فعالیت‌های لرزه‌ای و خصوصا پس‌لرزه‌های محسوس، تا تکلیف مردم و مسئولان در خصوص بازگشت به ساختمان‌ها پس از تخلیه، مشخص شود.

آماده‌سازی مردم برای شرایط اضطراری

آموزش و آگاه‌سازی مردم در خصوص درک خطر و اقداماتی که باید در مراحل مختلف قبل، حین و پس از زلزله به انجام برسانند، از جمله اقدامات اساسی است که می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش خسارات و تلفات ناشی از سوانح و بلایا داشته باشد.

گفت‌وگو با مسئولان و مردم در مناطق شهری و روستایی زلزله‌زده سرپل ذهاب بیانگر این واقعیت بود که فعالیت ملحوظی در زمینه آموزش همگانی در این مناطق انجام نگرفته است.

اگرچه ممکن است در آمار و گزارش‌های متولیان مربوطه، ردپایی از برگزاری برخی جلسات آموزشی دیده شود، اما اظهارات آحاد مردم شهر و روستا و حتی کارمندان شهرداری سرپل ذهاب حاکی از آن است که فعالیتی در این خصوص را به یاد نمی‌آورند.

اگرچه باید این اظهارات را با استفاده از روش‌های سیستماتیک و مطالعاتی، مورد ارزیابی قرار داد، اما اغلب شواهد، دال بر ضعیف‌بودن درک خطر و عدم‌آگاهی کافی نسبت به اقدامات لازم، قبل و حین وقوع زلزله است. شواهدی از قبیل:

عدم به انجام رساندن اقدامات احتیاطی هنگام وقوع پیش‌لرزه از جمله:

- آماده کردن برخی وسایل برای خروج اضطراری، با احتمال وقوع زلزله‌ای ویرانگر
- استعلام وضع از مسئولان محلی
- عدم‌آشنایی با نحوه آواربرداری سطحی. این یک واقعیت انکارناپذیر است که مردم زلزله‌زده با وجود عزیزانشان در زیر آوار، هیچ‌گاه صبر نمی‌کنند تا نیروهای نجاتگر از راه برسند. بدیهی است که با هر وسیله و به هر روشی، خود آغازگر فرآیند نجات خواهند بود. بنابراین آشنایی مردم با اصول اولیه نجات و آواربرداری سطحی، به زبانی ساده ضرورتی انکارناپذیر است.
- عدم‌آشنایی با نکات ابتدایی و کاربردی کمک‌های اولیه و انتقال صحیح مصدومان به مراکز درمانی
- عدم‌آشنایی کافی با مکان‌یابی صحیح و نحوه برپاکردن چادرهای امدادی
- عدم‌آشنایی با نحوه اخذ کمک‌های امدادی در شرایط اضطراری
- در خوشبینانه‌ترین حالت، اقدامات آموزشی اگر هم صورت گرفته، اما کافی و موثر نبوده است.

البته آماده‌سازی مردم برای شرایط اضطراری تنها شامل فعالیت‌های آموزشی نیست، بلکه اقدامات دیگری همچون سازماندهی و تجهیز مردم محلات در کنار فعالیت‌های آموزشی، تأثیر به مراتب بیشتری را بر آمادگی جامعه خواهد داشت.

درس آموخته‌ها و توصیه‌ها:

استفاده از روش‌های آموزش همگانی مؤثرتر خصوصا در محیط‌های شهری و همچنین توجه به سرفصل‌های اسکان اضطراری، آواربرداری سطحی به زبان ساده و همچنین پناهگیری و تخلیه اضطراری در کنار کمک‌های اولیه برای عموم مردم، ضروری به نظر می‌رسد.

عدم‌آماده‌سازی مردم برای شرایط اضطراری، خسارات و تلفات را افزایش داده و مدیریت بحران را دشوار تر و پیچیده‌تر می‌کند.

سازماندهی تیم‌های واکنش سریع محلات/روستا و تجهیز محلات/روستاها به امکانات اولیه خودامدادی و دیگرامدادی در شرایط اضطراری توصیه می‌شود.

ضرورت آموزش‌های نجات ساده برای نیروهای مسلح سپاه و ارتش که احتمال حضور آنها در لحظات اولیه وقوع زلزله به‌منظور امدادرسانی زیاد است.

لازم به ذکر است دوره آموزش همگانی حضوری که در حال حاضر به ۲۲ ساعت تقلیل یافته، شامل آموزش کمک‌های اولیه و حمل مصدوم است.

بیمه سوانح طبیعی

فرآیند مدیریت ریسک از شروع طراحی و ساخت‌وسازها تا دوره بهره‌برداری و بعد از استهلاک آنها موضوعیت دارد. یکی از ابزارهای مهم و موثری که برای مدیریت ریسک و مدیریت تبعات بلایای طبیعی برای انسان و سرمایه‌های مادی وی کاربرد وسیعی دارد، بیمه است. بیمه در تمامی مراحل مدیریت ریسک کاربرد وسیع و موثری دارد. بیمه، هم در مرحله قبل از وقوع حادثه، هم در حین و هم پس از وقوع حادثه کاربرد دارد. امروزه با رشد جمعیت و توسعه اقتصادی حتی تغییرات اقلیمی و آب‌وهوایی، مردم بیشتری در مقایسه با دهه‌های گذشته در معرض این حوادث قرار دارند. امروزه ساخت‌وساز در نواحی سیل‌گیر، زلزله‌خیز و سایر ریسک‌ها احتمال خسارت‌های با شدت بالا و فاجعه‌آمیز را به مراتب افزایش داده است. با وجود این با بکارگیری دانش مدیریت ریسک، سیستم‌های هشدار بهنگام و الگوهای پیش‌بینی آب‌وهوایی، تعداد کسانی که بر اثر حوادث طبیعی در دنیا آسیب دیده‌اند از ۴/۴ درصد به ۲/۶ درصد کاهش یافته است. کارکرد بیمه در مواجهه با ریسک‌ها در چهار محور قابل طبقه‌بندی است. نخست کنترل ریسک است. هدف از کنترل ریسک، کاهش احتمال وقوع خطر و کاستن از میزان خسارت‌های احتمالی است. با کنترل ریسک از یک‌سو، فرآیند تولید محصولات، سازه‌ها و سخت‌افزارهای خسارت‌ساز تحت نظارت و کنترل بیمه‌گر انجام می‌شود و از این طریق کیفیت و مقاومت آن ارتقا می‌یابد و از سوی دیگر، بهره‌برداری از آن نیز تحت نظارت بیمه‌گران صورت می‌پذیرد تا نگهداری پدیده‌های در معرض ریسک براساس اصول صحیح صورت گیرد. به این ترتیب بیمه‌ها می‌توانند مستقیما بر شدت و وسعت خسارات ناشی از سوانح موثر باشند. یکی از مشکلات مهمی که در بازار کالاها و خدمات وجود دارد، اطلاعات نامتقارن است. این مسأله باعث می‌شود مصرف‌کننده یا هزینه زیادی بپردازد یا کالا و خدمت بی‌کیفیتی خریداری کند. حضور بیمه‌گران در فرآیند تولید، عرضه کالاها و خدمات گوناگون، تا حد زیادی این مشکل را کنترل کرده و کاهش می‌دهد و از این طریق نیز بر کیفیت زندگی و کارایی بازارها تأثیر مفید خواهد داشت. دوم این که با وجود بیمه‌نامه و ارزیابی ریسک از سوی بیمه‌گر، تولیدکنندگانی که محصولات، سازه‌ها و سخت‌افزارهای بی‌کیفیت و غیرمقاوم در برابر حوادث طبیعی تولید می‌کنند، از بازار خارج خواهند شد، چراکه چنین تولیدکنندگانی باید یا کار خود را به‌درستی انجام دهند یا حق بیمه بسیار بالایی برای خرید بیمه‌نامه مسئولیت بپردازند که چون از عهده آن برنخواهند آمد، از بازار خارج خواهند شد. از این طریق، هم کیفیت و مقاومت محصولات در بازار ارتقا می‌یابد و هم کیفیت زندگی بهبود پیدا می‌کند. سوم این که جبران خسارت‌ها و بازسازی موارد آسیب‌دیده و بازگرداندن وضع اموال و اشخاص آسیب‌دیده به حالت قبل از وقوع حادثه از دیگر کارکردهای مهم بیمه است. این امر در ایجاد ثبات اقتصادی و اجتماعی نیز بسیار موثر است و باعث می‌شود فعالیت اقتصادی و زندگی مردم در اسرع وقت به حالت طبیعی خود بازگردد. البته روشن است که با توجه به دامنه و شدت خسارت‌هایی که در پی حوادث طبیعی ایجاد می‌شود، جبران این مهم به تنهایی از عهده بیمه برنخواهد آمد و برای مواجهه با این مشکل همکاری سه‌جانبه دولت، بیمه و مردم اجتناب‌ناپذیر است.

چهارمین کارکرد این است که با جمع‌آوری حق‌بیمه‌ها، ذخیره و سرمایه‌گذاری آن، انباشت سرمایه در اقتصاد توسعه می‌یابد و منجر به رشد اقتصادی و توسعه اشتغال و درآمدزایی برای مردم خواهد شد.

به دلایل مختلف فرهنگی و اقتصادی مردم کشور ما تمایل بایسته‌ای به بیمه نشان نمی‌دهند. تا جایی که متولیان مربوطه و قانون‌گذاران، در برخی موارد، انواعی از بیمه را برای افراد جامعه، اجباری می‌کنند.

در شرایط فعلی کمتر از ۱۵ درصد واحدهای مسکونی که بیمه‌نامه آتش‌سوزی دارند، پوشش زلزله را هم خریده‌اند. بر این اساس کمتر از ۲ درصد واحدهای مسکونی کشور تحت پوشش خطر زلزله هستند

یکی از روش‌های رایج برای دخالت دولت‌ها در این زمینه، اجباری کردن خرید بیمه زلزله از سوی مردم است وگرنه در نبود الزام قانونی بیمه زلزله چندان مورد توجه قرار نخواهد گرفت. جامعه برای جبران پیامدهای زلزله به‌هرحال مجبور است هزینه کند و چون خود آسیب‌دیدگان توان پرداخت این هزینه را ندارند، به ناچار جامعه و دولت نیز باید به کمک آنان بشتابد. بنابراین چه بهتر است که حداقل بخشی از این هزینه از طریق سازوکار بیمه انجام شود که این روش کارآمدی خود را در عمل نشان داده است.

به‌عنوان یک مثال بین‌المللی، بزرگترین حادثه تحت پوشش بیمه، زلزله آوریل ۲۰۱۶ ژاپن بود که نزدیک به ۵ میلیارد دلار از بیمه خسارت گرفت. استفاده از سازوکار بیمه برای پوشش خطرات طبیعی، هم در مدیریت بحران، هم در سرعت بازگشت به وضع طبیعی، هم در مقاوم‌سازی ساخت‌وسازها و رعایت ایمنی و هم در توسعه اقتصادی کشورها نقش مهمی بازی می‌کند.

درحال حاضر بیمه زلزله به‌عنوان خطر مستقل به صورت آزمایشی در کشور ارایه می‌شود و در صورت موفقیت قابل تعمیم به سایر شرکت‌ها و سایر نقاط خواهد بود. از سوی دیگر، لایحه تاسیس صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی مراحل قانونی تصویب را طی می‌کند که تعیین حق بیمه در این صندوق هم تابع ضوابط فنی و احتمال وقوع حوادث تحت پوشش خواهد بود.

روش معمول در اغلب کشورها برای تامین مالی و جبران خسارت‌های ناشی از حوادث طبیعی، ایجاد صندوق‌های بیمه‌ای اجباری و همگانی با حمایت دولت‌هاست، به نحوی که خطرات مربوط در سطح ملی تحت پوشش قرار گیرد و در صورت وقوع هر حادثه طبیعی، خسارت مالی وارده به اماکن مسکونی متعلق به مردم به سرعت از طریق این صندوق‌ها جبران و منابع دولت صرف بازسازی زیرساخت‌هایی که از وقوع حادثه طبیعی دچار خسارت شده‌اند، شود. بر این اساس علاوه بر امکان تحت پوشش قرار دادن ریسک زلزله در قالب بیمه‌نامه‌های آتش‌سوزی، راه‌حلی که بیمه مرکزی ایران از سال‌ها قبل براساس مطالعه تجارب موفق در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای به‌ویژه تجربه کشورهای ترکیه و ژاپن به‌عنوان روش مناسب برای جبران این خسارت‌ها و سازوکار اجرایی آن پیشنهاد کرد، ایجاد صندوق خاصی برای پوشش حوادث طبیعی تحت عنوان «صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی» است که از طریق آن اجباری و همگانی‌شدن این پوشش بیمه‌ای محقق خواهد شد. این پیشنهاد حدود ۱۰ سال قبل در قالب لایحه‌ای به دولت وقت تقدیم شد و پس از چندین مرحله بررسی در دولت و مجلس، نهایتا این لایحه در مجلس شورای اسلامی نیز بررسی شد و در سال ۱۳۹۵ به تصویب رسید. معهذا این مصوبه مجلس با چند ایراد از سوی شورای محترم نگهبان مواجه شد که ایراد اصلی آن شورا به مصوبه مجلس، بار مالی ناشی از مواد ۵ و ۶ لایحه مصوب مجلس برای دولت است. اکنون این موضوع در دستور کار قرار دارد تا با رفع آن امکان فعالیت این صندوق فراهم شود. در حال حاضر، امکان رقابت بین شرکت‌های بیمه در عرضه پوشش بیمه زلزله به‌عنوان یکی از خطرات تبعی بیمه‌نامه آتش‌سوزی وجود دارد. درعین‌حال امکان فعالیت شرکت‌های بیمه در رابطه با پوشش بیمه زلزله با اخذ مجوزهای لازم از بیمه مرکزی نیز هست. ضمنا در لایحه «صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی» امکان فعالیت تمام شرکت‌های بیمه در عرضه بیمه پایه و تکمیلی حوادث طبیعی پیش‌بینی شده است.

همتی، رئیس کل بیمه مرکزی در خصوص زلزله کرمانشاه مطرح کرد که برای این زلزله مبلغ ۱۳۰ میلیارد تومان خسارت به صنعت بیمه پیش‌بینی می‌شود. وی براساس آمارها و بررسی‌های انجام‌شده اشاره کرد که متاسفانه بخش ناچیزی از ساختمان‌های تخریب‌شده در زلزله از گله تحت پوشش بیمه هستند.

لازم به ذکر است که نمایندگی‌های انواع شرکت‌های بیمه از روز چهارم پس از زلزله، به صورت ثابت و سیار در جای‌جای شهر سرپل ذهاب مشاهده شد.

درس آموخته‌ها و توصیه‌ها:

بیمه سوانح طبیعی در کشورهای بلاخیز، راهکار مؤثری در انتقال بار مالی خسارات ناشی از سوانح و بلایای طبیعی از دولت و مردم به شرکت‌های بیمه است.

ضرورت تعمیم بیمه زلزله به‌عنوان خطر مستقل

ضرورت تشکیل «صندوق بیمه همگانی حوادث طبیعی»

ان‌شاءالله در بخش بعدی این سخنان، به چالش مهم دیگری تحت عنوان «آمادگی» پرداخته خواهد شد که حلقه مغفول دیگری از زنجیره مدیریت بحران، پیش از بحران است.

دکتر حمیدرضا اسکاش، مشاور در حوزه مدیریت بحران